

تلگراف‌خانه بوشهر و استعمار انگلستان

خلیل حقیقی^۱

حمید حاجیان پور^۲

چکیده

اختراعات و اکتشافات حاصل از انقلاب صنعتی، یکی از مهم‌ترین عوامل قدرت برخی از کشورهای استعماری اروپا بود، همچون دستگاه تلگراف که بسیاری از نقاط مستعمراتی را در مسیر اهداف کشورهای استعمارگر به یکدیگر متصل می‌کرد. در پیوند با این موضوع، ایران و از جمله بندر بسیار مهم بوشهر در نواحی تحت تسلط انگلستان، اهمیتی خاص داشت. زیرا تلگراف، علاوه بر آنکه انگلستان را از اوضاع مناطقی همچون بوشهر آگاه می‌کرد، ابزاری مهم برای ایجاد تغییرات پر دامنه در آن نواحی نیز بود؛ عواملی همچون اهمیت و نقش اقتصادی بوشهر در بقای حکومت قاجاریه، نقش این بندر در امر صادرات و واردات کالاهای ضروری و استعماری، جایگاه نظامی بوشهر به عنوان پایگاه دریایی ایران و نیز موقعیت استراتژیک آن برای دولت انگلستان و حضور نیروهای انگلیسی در بوشهر به همراه تأسیس تلگراف‌خانه در بندر یاد شده، برای آن دولت ضروری بود. در این مقاله کوشش شده است تا ضمن بررسی دلایل تأسیس تلگراف‌خانه در ایران، نحوه فعالیت، نتایج و ابعاد مؤثر تلگراف‌خانه بوشهر نیز روشن شود.

واژگان کلیدی:

ایران، انگلستان، تلگراف‌خانه بوشهر، استعمار

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۳/۱۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۵/۲۵

۱. خلیل حقیقی، دانشجوی دکتری دانشگاه شیراز، khalilhaghghi@gmail.com

۲. حمید حاجیان پور عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز، hhajianpour@yahoo.com

مقدمه

تمدن اروپایی همیشه تمایل به توسعه داشته است (پالمر، ۱۳۸۴: ۱۰۹۱/۲). بعد از شکست امپراتوری ناپلئون، امپریالیزم جدید انگلیس در ابعاد گوناگون اقتصادی و سیاسی با اعمال روش‌های گوناگون، در پی به دست آوردن کالای مرغوب، تهیه مواد خام، انبارها، تلگراف‌خانه، خطوط راه‌آهن و بانک‌ها در مستعمرات خود فعال بوده است (همان، ۱۰۹۲). این فرایند، عامل توسعه تمدن صنعتی جدیدی گردید که برای بقای خود، به روش‌های گوناگون مهندسی نیاز داشت (فیلد، ۱۳۶۶: ۱۱۴). در پیوند با این موضوع، اخبار تجاری و روزنامه‌ها بعد از تلگراف، بسیار گسترش یافتند. پیشرفت بازارهای اقتصادی در اروپا، در شکل‌گیری و توسعه تلگراف نقش داشت و افرادی چون مورس، وایت و استون در پی برآوردن این نیازهای اجتماعی فعال بودند. اختراع تلگراف، بر اعتبار مهندسی برق نیز افزود (برنال، ۱۳۸۰: ۳۹۴/۲). این اختراعات جدید همچنین موجب تقسیم اروپا به دو حوزه داخلی یا حوزه ماشین بخار و حوزه خارجی، یعنی تلگراف شد که آن نیز مدیون مهندسان آلمانی بود (پالمر، ۱۳۸۴: ۹۸۷/۲). اما تحولات جدید و پیدایش نیازهای گوناگون اقتصادی-سیاسی در کشورهای استعماری و مستعمرات آنان، مانند امپراتوری بریتانیا در خلیج فارس و نواحی اطراف آن، که تحت نظر حکومت هند با مرکزیت سیملا قرار داشت، همراه با اتفاقات هند در ۱۹۵۶م. و همچنین شورش نیروهای هندی تحت امر بریتانیا، موجب تجدید نظر کلی در اداره این مستعمره گردید. سرانجام، کمپانی هند شرقی حذف گردید و استقرار مقام نایب‌السلطنه، تصویب شد. علاوه بر آن، کشمکش‌های ایران و بریتانیا بر سر مسأله هرات در سال ۱۸۶۳م.، استقرار نیروهای انگلیسی را در بنادر بوشهر و خرمشهر ضرورت بخشید (لوریمر، ۱۳۹۲: ۲۴).

حفر کانال سوئز و توسعه خطوط پستی میان هند و انگلستان از طریق دریا که در مسیر خود از خلیج فارس عبور می‌کرد، با هدف تکمیل خطوط تلگرافی از راه خلیج

فارس، بسیار مهم بود. این عوامل، اهمیت کنسولگری بوشهر و سفارت انگلستان در تهران و اهمیت ایران و خلیج فارس را به دلیل رقابت‌های استعماری افزایش داد (همان، ۲۵). زیرا برقراری خطوط تلگراف در ایران، تا حدودی مشکلات دولت‌های مرکزی ایران و انگلستان را حل می‌کرد (کدی، ۱۳۸۱: ۶۴). در همین مسیر، به دنبال شورش هندیان، دولت انگلستان احساس کرد به ارتباط سریع‌تری با هندوستان نیاز دارد (همان، ۶۴). در پیوند با این موضوع، نخستین خط تلگراف در سال ۱۲۶۷ق.، یعنی در سال سوم سلطنت ناصرالدین شاه، به ایران وارد شد (شمیم، ۱۳۷۴: ۱۹۲). با توجه به حضور دولت انگلستان در ایران و افزایش اهمیت و موقعیت بندر بوشهر، توسعه خطوط تلگراف از سیاست‌های مورد علاقه دولت انگلستان بود. تأسیس تلگراف‌خانه بوشهر نیز همراه با تأسیسات پیرامونی آن، در صحنه رقابت‌های استعماری سامان یافت. هر یک از دولت‌های استعماری نیز به روش‌های گوناگون در آن بندر، در پی برتری بودند. از این رو، تشریح ساختار اداری تلگراف‌خانه بوشهر، می‌تواند راهی برای شناخت زمینه‌های فعالیت این کشورها باشد. در پژوهش پیش‌رو، کوشش شده است با بهره‌گیری از اسناد و مدارک موجود، به این مهم پرداخته شود. در کنار جنبه‌های منفی و استعماری تلگراف‌خانه بوشهر، به سبب خدمت‌رسانی به قدرت‌های خارجی، این تأسیسات نوظهور، موجب تغییرات گسترده در آن منطقه شده‌اند. همکاری تلگراف‌خانه با نیروهای نظامی، شرکت‌های تجاری، مراکز درمانی، دفاتر پستی و افزایش حضور وابستگان خارجی در بندر بوشهر، آثار اجتماعی متفاوتی در آن منطقه پدید آورد که تا مدت‌های طولانی در زندگی اهالی آن بندر و مستشاران خارجی ساکن در آنجا قابل ملاحظه بود.

سوالات تحقیق

۱. دلایل احداث و توسعه تلگرافخانه بوشهر و نواحی اطراف آن چه بود؟ ۲. تلگرافخانه در نواحی یاد شده، از نظر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی چه آثاری بر جای نهاد؟ ۳. تحولات تلگرافخانه در ایران^۱

ایران به این سبب که میان دولت انگلستان و هند قرار دارد، از شبکه تلگراف مناسبی بهره‌مند شد (سایکس، ۱۳۶۸: ۲/۷۳۸). علاوه بر آن، برای دولت انگلستان، مسیر ایران کم‌خرج‌ترین و آسان‌ترین مسیر در نظارت بر هند بود (محبوبی اردکانی، ۲۵۳۷: ۲/۱۹۸). از این رو، خط تلگراف ایران از خانقین به تهران و از تهران به بوشهر متصل شد (همان، ۱۹۸). در همین زمینه از سال ۱۲۷۳ ق. تلگراف در ایران مورد توجه قرار گرفت.

باید یادآور شد که تنها دولت ایران در راه‌اندازی تلگراف دخیل نبود (یزدانی، ۱۳۷۸: ۲۰). به نظر کرزن، از زمان شورش هند، ضرورت ارتباط با هندوستان برای دولت انگلستان افزایش یافت و این حادثه موجب گسترش خطوط تلگراف در ایران گردید. در دوره زمامداری میرزا آقاخان نوری، مسیو کرشش اتریشی، مسئول آموزش مورس به ایرانیان بود (همان، ۲۰). با عقد قرارداد تلگراف میان ایران و انگلستان، تا پایان سال ۱۲۸۰ ق. یک رشته سیم از راه مدیترانه به خانقین-کرمانشاه-همدان-بوشهر-اصفهان و شیراز کشیده شد. خط سوم تلگراف در شمال ایران از راه قفقاز توسعه یافت و در ادامه، شرکت زیمنس قرارداد کمپانی تلگراف هند و اروپا را در سال ۱۲۸۴ ق. تکمیل کرد (همان، ۲۱-۲۰). شندلر انگلیسی نیز در سال ۱۳۲۹ ق.، برای تأمین و خرید تجهیزات خطوط تلگراف همکاری داشت (ولایتی، ۱۳۷۲: ۷۵). در سال ۱۲۷۹ ق. طول مسیر ۸۲۱۳ کیلومتری تلگراف لندن به هندوستان، موجب عقد قراردادهای مهمی میان استویک، وزیر مختار انگلیس با ناصرالدین شاه برای توسعه قسمتی از این خطوط در ایران شد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵: ۲۸۸). به سبب اهمیت منطقه بندری بوشهر،

۱. با توجه به اهمیت موضوع، ارائه گزارشی کوتاه از وضعیت تلگرافخانه در ایران و ارتباط آن با تلگرافخانه بوشهر نیز ضروری می‌نماید.

خطوط متعدد تلگراف از آن بندر عبور می‌کرد. خط شماره یک، از لندن شروع می‌شد و در ادامه، پاریس - استراسبورگ - مونیخ - وین - استانبول - سیویایس - دیاربکر - بغداد - بصره - بندر فاو - بوشهر - جاسک را در برمی‌گرفت و از آنجا به کراچی می‌رسید. خط دوم، از خانقین - تهران - اصفهان - بوشهر، در دست مهندسان انگلیسی قرار داشت و در قسمتی از آن، با کابل‌های زیردریایی به هم متصل می‌شد (همان، ۲۸۹-۲۸۸). همچنین، سیم‌کشی فنی خطوط تلگراف خانقین - تهران - بوشهر تحت نظر هیأت بیست و یک نفری، به ریاست کلنل شامپین و با نظارت دولت ایران آغاز گردید. این خط تلگراف در سال ۱۲۸۱ق. از طریق کابل زیردریایی به کراچی متصل شد و گلد اسمیت نخستین مدیر خط تلگراف هند و اروپا، سیم تلگراف کراچی را به بندر گواتر و چاه‌بهار ادامه داد. چارلز آلیسون، وزیر مختار انگلیس، دستور تأسیس دفاتر تلگراف‌خانه را در تهران - اصفهان - شیراز - بوشهر و بنادر جنوبی صادر کرد (همان، ۷۵). این طرح با خرید زمین از دولت ایران و پرداخت سالانه مبلغ ۶۰۰ هزار لیره، به سبب استقرار مأموران تلگراف انگلیس در شهرهای ایران به انجام رسید و در مقابل، در صورت بروز هرگونه خسارت به اموال تلگراف‌خانه‌ها در ایران، دولت خسارت را در میان روستاییان تقسیم و بعد از وصول، به شرکت تلگراف می‌پرداخت (همان، ۷۶). اهمیت سیاسی و اجتماعی تلگراف‌خانه به اندازه‌ای افزایش یافت که برای حفاظت آنها، در شهرها کنسولگری ایجاد گردید و اعضای تلگراف‌خانه‌ها از مأموران سیاسی دولت انگلستان بودند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵: ۲۸۹). با توسعه خطوط تلگراف در ایران، شش خط دیگر در نواحی مهم برقرار گردید. ایرانیان در این زمینه، از مأموران انگلیسی اطاعت می‌کردند؛ البته بیشتر کارکنان تلگراف‌خانه‌های ایران، از نیروهای نظامی انگلیسی بودند و رؤسای تلگراف‌خانه، گاه در حکم مشیر و مشاور حکام محلی انجام وظیفه می‌کردند (محبوبی اردکانی، ۲۵۳۷: ۲۰۰-۱۹۱). در این فعالیت‌های فنی، بندر بوشهر پایان خطوط داخلی تلگراف بود و دولت انگلستان از آن بندر تا کراچی، خطی احداث کرد که نیروهای ایرانی در آن دخالتی نداشتند (همان، ۲۰۱). وقایع جنگ اول جهانی و اهمیت سرعت جمع‌آوری

اخبار از شهرها و نیز اعتراضات مردمی، اهمیت تلگراف‌خانه‌ها را سخت افزایش داد. استفاده از امواج هرتز، دولت انگلیس را از پرداخت مخارج سنگینی تلگراف‌خانه رها کرد (یزدانی، ۱۳۷۸: ۲۳). تا سال‌های جنگ اول جهانی، خطوط تلگراف‌خانه شیراز- بوشهر، در اختیار و تحت نظارت دولت انگلستان قرار داشت (محبوبی اردکانی، ۲۵۳۷: ۲۰۸) و سرانجام در سال ۱۳۰۷ق.، تلگراف‌خانه بوشهر به دولت ایران داده شد (همان، ۲۱۳). علی‌رغم کوشش‌های گسترده دولت انگلستان برای توسعه خطوط تلگراف در ایران- البته بیشتر به خاطر اهمیت هندوستان و اخبار آن منطقه- خطوط تلگراف ایران با سه مشکل عمده روبه‌رو بود: ۱. اقدامات خصومت‌آمیز قبایل عرب؛ ۲. آب و هوای بسیار طاقت‌فرسا؛ ۳. سکونت اقوام متعدد و مختلف با زبان‌های گوناگون در مسیرهای ارتباطی (کرزن، ۱۳۷۳: ۷۲۶/۲-۷۲۵). افزون بر مشکلات یادشده، در نخستین سال‌های فعالیت شرکت تلگراف، شیطنت مأموران و برخی وزیران ایرانی، در عملیات احداث تلگراف‌خانه موجب وقفه می‌شد (همان، ۷۲۶). با این حال، فشار دولت انگلستان، این موانع را تا اندازه‌ای بر طرف کرد؛ ضمن آنکه سوء مدیریت ادارات بنادر و ناتوانی مأموران ایرانی نیز، از دیگر عوامل اختلال در توسعه خطوط تلگراف ایران به شمار می‌آمد (سایکس، ۱۳۶۸: ۷۳۸/۲). به گواهی کرزن- که تأثیر تلگراف را در ایران، بیش از دیگر دستگاه‌ها دانسته است- اتصال ایران به خط تلگراف، آثار چشمگیری بر ایران داشت، زیرا: ۱. ایران در ارتباط با اروپا، جزئی از جامعه جهانی به شمار آمد و اروپاییان نیز با توجه به عظمت آن، کوشیدند ایران را بهتر بشناسند؛ ۲. توسعه تلگراف برقی در دیگر شهرها، بر نفوذ قدرت حکومت مرکزی می‌افزود؛ ۳. تلگراف، عامل گسترش روابط نزدیک میان ایرانیان و دولت انگلیس شد. مأموران انگلیسی با مردم ایران در تماس نزدیک بودند و حتی بیشترین بست‌نشینی‌ها در تلگراف‌خانه‌ها صورت می‌گرفت؛ ۴. علاوه بر آن، اطلاعات چشمگیر مأموران انگلیسی از اوضاع، موجب نظارت بیشتر بر حوادث ایران می‌شد (کرزن، ۱۳۷۳: ۷۳۸-۷۳۰). باید به یاد داشت که اختیار خطوط

تلگراف، در شمال به دست نیروهای روسیه و در جنوب، به دست کارکنان نظامی دولت انگلستان بود و ایرانیان نقش چندانی در آن نداشتند.

اهمیت بندر بوشهر در معادلات استعماری

بر اساس بررسی‌های کارشناسان خبره انگلیسی، از جمله جان گوردون لوریمر بوشهر مهم‌ترین بندر تجاری ایران در عصر قاجاریه محسوب می‌شد و شاهراه تجاری مهمی از بوشهر به تهران متصل بود. به همین سبب، سرکنسولگری بریتانیا برای نواحی جنوبی ایران و خلیج فارس، در بوشهر مستقر بود و از نظر استراتژیکی، بوشهر هم برای بوشهر و هم برای بریتانیا اهمیت داشت، زیرا علاوه بر انگلستان، دیگر کشورها نیز در بوشهر کنسولگری داشتند؛ اگرچه در سه نوبت، میان ایرانیان و دولت انگلستان در این شهر، درگیری‌های نظامی اتفاق افتاده بود (لوریمر، ۱۳۹۲: ۲۲). همچنین بوشهر مرکز اداری خاص موسوم به حکومت بنادر و سواحل و سرانجام فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس محسوب می‌شد (همان، ۲۶). علاوه بر آن، بوشهر از نظر نظامی، پایگاه دریایی ناصری در زمان قاجاریه به شمار می‌آمد. همچنین از این نظر که کریم‌خان زند از آن به عنوان محلی برای نظارت و سرکوب ساحل‌نشینان و افراد یاغی استفاده می‌کرد، از نظر تاریخی هم اعتبار ویژه‌ای داشت (مارتین، ۱۳۸۹: ۹-۵۷). اما مشکلات جغرافیایی، موجب شده بود که این منطقه به یک بندر معروف تبدیل نشود (کرزن، ۱۳۷۳: ۴۸۴/۲). هوای گرم بوشهر در تابستان و فقدان مسیر مناسب به شیراز، نشانگر مشکلات فراوان این منطقه بود (همان، ۲۸۶). در پیوند با این موضوع، حضور رقیب قدرتمند دولت انگلستان در جبهه غربی بوشهر، با استحکامات قوی نظامی، موجب رودرویی دو قدرت استعماری انگلستان و پرتقال در بوشهر می‌شد (همان، ۲۸۶). ظهور دولت قدرتمند آلمان در اروپا از قرن ۱۹م. و گسترش حوزه فعالیت آلمانی‌ها در خلیج فارس، نگرانی‌های دولت انگلستان را افزایش می‌داد. اولین هیأت آلمانی به فرماندهی ویلیام واسموس، کنسول قبلی آلمان در بوشهر از سال ۱۹۱۴م. بعد از شهر شیراز، به

سمت بغداد حرکت کرد. واسموس با ترک شیراز به سوی بوشهر، در تدارک راه‌اندازی شورش عشایری بزرگی علیه دولت انگلستان بود؛ دولت انگلستان تا سال ۱۹۱۵ م. بوشهر را در تصرف داشت (باست، ۱۳۷۷: ۴۳-۲۸).

سطح فعالیت وادالا به عنوان سفیر فرانسه در آن شهر چندان مطلوب نبود (همان، ۷۲). علاوه بر وقایع بوشهر، بر اثر تحریکات نیروهای جاسوسی آلمانی، ورود پلیس جنوب با سیاست انتقال رؤسای شورشی به سایر نواحی، حساسیت امنیتی بوشهر را نیز همچون شیراز افزایش داده بود (بیات، ۱۳۷۳: ۹۱). با این حال، جنبه مثبت حضور پلیس جنوب در اطراف جاده شیراز به بوشهر، برقراری امنیت بود که هزینه‌های کمتری را بر مردم تحمیل می‌کرد (همان، ۱۳۹). به نظر لمبتون، به سبب بی‌علاقگی ایرانیان به تجارت، دولت انگلستان می‌کوشید از همه نواحی ایران از جمله بوشهر، در این زمینه استفاده کند (لمبتون، ۱۳۷۵: ۱۶۴). در همین راه، کوشش دولت‌های غربی از جمله فرانسه، پرتغال و انگلستان برای تأسیس پایگاه دائمی تجاری و سیاسی در خلیج فارس و منطقه بوشهر، بسیار قابل توجه بود؛ هر چند که فقط دولت انگلستان در انجام این کار موفق شد (برومند، ۱۳۷۸: ۳۲). در کنار فعالیت‌های نظامی و اقتصادی، وجود قرنطینه کنترل بیماری، نصب چراغ دریایی، ایجاد مرکز صید مروارید، حمایت از سران قبایل حامی انگلیس و پشتیبانی از مبلغان مذهبی با مرکزیت بوشهر، بر اهمیت این ناحیه می‌افزود (همان، ۳۶). اهمیت مبادلات اقتصادی بوشهر و هند، در این زمان به دو برابر و تجارت با لندن، به سه برابر افزایش یافته بود (احمدی، ۱۳۸۶: ۲۴).

با توجه به موارد یاد شده، می‌توان اهمیت شهر بندری بوشهر از نظر قدرت‌های استعماری و نیز اولویت استقرار تأسیسات جدید، از جمله تلگراف‌خانه و کنسولگری‌ها، در آنجا را این‌گونه دسته‌بندی کرد: ۱. اهمیت بوشهر به عنوان پایگاه دریایی ایران و ضرورت نظارت بر آن؛ ۲. نزدیکی بوشهر به بندر بصره و ضرورت نظارت بر هر دو بندر، به عنوان مهم‌ترین معبرهای ورود به ایران و عراق، از سوی خلیج فارس؛ ۳. ایجاد پایگاه تجاری برای خرید و فروش کالاهای مورد نیاز ایران از طریق قدرت‌های

استعماری؛ ۴. نگرانی دولت انگلستان در بندر بوشهر نسبت به رقیبانی همچون آلمان و روسیه در استفاده از این ناحیه، برای حرکت به سوی هندوستان؛ ۵. افزایش اهمیت بوشهر در پی افزایش اهمیت ایران و مرکزیت ارتباطی آن؛ به گونه‌ای که این بندر از دیدگاه کرزن، نماد اقتدار انگلستان در خلیج فارس به شمار می‌آمد.

مطالب پیش گفته، گویای ضرورت احداث و راه‌اندازی تأسیسات اداری، ارتباطی سیاسی و نظامی در بندر بوشهر و برخی از نواحی پیرامون آن^۱ است. به نوشته لوریمر: بوشهر به صورت دماغه‌ای اژدرمانند، به موازات ساحل تنگستان، در فاصله چهار یا پنج مایلی آن، واقع شده است و علفزار میشله^۲ به صورت مردابی در منتهی‌الیه وسط شبه جزیره با راهی به داخل ایران برای ورود کاروان‌ها قرار دارد (لوریمر، ۱۳۹۲: ۲۹). در همین مسیر، گودالی با نام محلی اندربندر وجود دارد. این گودال به طرف کرانه شرقی آن کشیده شده و خط تلگرافی که وارد ایران می‌شود، جنوب این ناحیه قرار گرفته است (همان، ۳۱). جاده بوشهر در فاصله شش مایلی سبز آباد واقع شده که در آن دوران، تحت نظارت نمایندگی بریتانیا قرار داشت. راه زمینی آن به خرمشهر، شیراز، سر کنسولگری بریتانیا و تأسیسات تلگراف‌خانه هند و اروپا و منازل ساکنان آن، پایان می‌پذیرد (همان، ۳۴). تغییر مکان گمرک از شیف به بوشهر، حاصل اقدامات خان‌انگالی است (همان، ۳۵). اداره تلگراف‌خانه هند و اروپا در بوشهر، سه رشته سیم داشت که دو رشته از جاسک و یکی از فاو وارد می‌شد. محل ورود آنها از دریا به خشکی، در نزدیکی غرب (قلعه ریشهر) قرار داشت. با حدود یک مایل فاصله در سمت شمال شرق، ایستگاه تلگراف شش یا هفت ساختمان بزرگ را شامل می‌شد و خدمه بیست و پنج نفری آن، به دلایل گوناگون به چهارده نفر کاهش یافته بود (همان، ۳۵)، زیرا از زمان پیشرفت سیستم‌های جدید، نیاز به تکرار دستی مکالمات نبود (همان، ۳۶). از دفتر تلگراف ریشهر، سه خط زمینی دیگر از راه خط ساحلی، به طرف شیراز ادامه می‌یافت: خط

۱. شامل سبزآباد ریشهر، برازجان، دیلم، ریگ، دشتی و دشتستان و ...

کوتاه اول، به محل اقامت نمایندهٔ بریتانیا در سبزآباد؛ خط دوم، به شیراز و خط سوم از طرف شمال به بوشهر می‌رفت و دستگاه‌های مستقر در نمایندگی بریتانیا و دفتر تلگراف ایرانی، بدان متصل می‌شد (همان، ۳۶). دفتر تلگراف ایرانی، با شیراز در ارتباط بود و دفتر تلگرافی هند و اروپا در ریشهر و دفتر تلگراف‌خانهٔ ایران در بوشهر، پیوسته سه رشته سیم تلگراف را در اختیار داشتند. خط تلگراف هند و اروپا، سیم انگلیسی^۱ و خط تلگراف ایران، سیم ایرانی نامیده می‌شد (همان، ۳۶).

اسناد تلگراف‌خانهٔ بوشهر در زمینهٔ گزارش تعمیر سیم‌کشی نواحی شوشتر، دزفول و رامهرمز، به طرف بوشهر اطلاعاتی به دست می‌دهد. در این اسناد، عدم جدیت در آموزش کارکنان تلگراف‌خانه و تعلیمات لازمه به خدمه از سوی مسئولان، به "عرض اقدس همایونی" رسیده است و اینکه در حال حاضر این مشکلات با حکومت عراق، در مذاکرهٔ وزارت پست است (شماره ۱ / [بی‌تا]). سندی دیگر نیز - (شماره ۴۴۹ / ۱۳۲۱ ق.) - به پیگیری درخواست تلگراف بین‌المللی برای نواحی جنوبی کشور اختصاص دارد که البته بی‌پاسخ مانده است.

با توجه به اهمیت مسیر خطوط تلگراف به بندر بوشهر، طبق سندی دیگر (تلگراف شماره ۲۶ / محرم ۱۲۸۴ ق.)، از خط تلگراف شهر خانقین عراق به بندر بوشهر، کروکی تهیه شده بود و کارگزاران مسئول، در پی اجرای این طرح بودند. در این راه، افرادی با عنوان "سیم‌بان" وظیفه داشتند که خطوط تلگراف را حفظ و نگهداری کنند و اگر به هر دلیل سیم‌ها قطع می‌شدند، این گروه به بازرسی و تعمیر آن می‌پرداختند. خوانین محلی نیز مردم را به حفاظت از خطوط تلگراف وامی‌داشتند (لوریمر، ۱۳۹۲: ۳۶). تأیید اهمیت حفاظت از خطوط تلگراف، (سند شماره ۳۷۴۱ / [بی‌تا]) در دست است مبنی بر درخواست حکومت دشتی و دشتستان از وزارت داخله برای ارسال دو نفر نظامی، همراه

۱. اوایل، ساختمان تلگراف‌خانهٔ انگلستان در داخل شهر بوشهر بود، اما بعدها با گسترش قسمت اداری تلگراف‌خانهٔ بوشهر، این ساختمان در ۱۸۷۶ م، به خارج از شهر منتقل شد. (saldanah, 79)

با جنرال کنسول انگلیس مقیم- بوشهر که برای معاینه شخصی از خطوط تلگراف به این ناحیه آمده بود.

باید یادآور شد که هرچند بوشهر، بندر اصلی ایران به شمار می‌آمد، اما از نظر سطح بهداشتی و امکانات بندری نازل بود (لوریمر، ۱۳۹۲: ۵۶). شیف، محلی برای پیاده شدن مسافران در نظر گرفته شده بود، در منطقه عباسک، بیمارستان و ایستگاه قرنطینه بوشهر قرار داشت (همان، ۴۸) و محلات چهارگانه کوتی^۱، خشابی^۲، دهدشتی^۳ و بهبهانی^۴، باعث استقرار چهار برج در دو قسمت مختلف شده بود که همراه با فضایی باز و پرت به نام باسعیدون^۵، کنار گمرک شاهی و اداره پست ایران قرار گرفته بود. ساختمان بانک شاهی و چند دستگاه بزرگ را دریا بیگی در نزدیکی دفتر نمایندگی بریتانیا اداره می‌کرد. استقرار این تأسیسات، حاکی از اهمیت ویژه بوشهر برای دولت انگلستان بود. علی‌رغم این تشکیلات سیاسی، اقتصادی و نظامی بوشهر، بنا بر سندی تلگرافی به تاریخ ۹ مارس ۱۹۰۹م. از سرکنسولگری روسیه در بوشهر، شماری از مردم به خانه‌والی و ساختمان گمرک، هجوم برده و آن را اشغال کرده‌اند و این خبر هنوز در بوشهر پخش نشده است (کتاب نارنجی، ۱۳۶۶: ۱۱۴/۲).

تلگراف خانه بوشهر در ارسال پیام‌های مختلف، به ویژه در باره حادثه فرار حاج بشیر با دختر رحیم، یا تلگراف علمای بوشهر به دولت مرکزی که موجب تعطیلی بندر بوشهر شد، شهرت می‌یابد (مارتین، ۱۳۸۹: ۳۰۵).

به سبب اهمیت بوشهر، بالیوزگری بوشهر و عمارت کنسولگری انگلیس در بوشهر مشهور به عمارت کوتی، در اصل برای کمپانی هند شرقی ساخته شده بود و دوباره به کنسولگری تبدیل گردید (حمیدی، ۱۳۸۰: ۱۲۱). بوشهر و تهران، با هم در ارتباط مستقیم بودند، زیرا در سال ۱۳۱۴ق.، سیم مستقیم تلگراف از بوشهر به تهران کشیده

1. Kuti
2. khashahabi
3. Dehdashti
4. Behehani
5. Basidun

شد و دو تلگراف‌خانه را به هم پیوند داد؛ از آن پس، یک تلگراف ایرانی که فقط به "ممالک داخله ایران" تلگراف ارسال می‌کرد، دایر گردید. خط تلگراف دیگر، متعلق به دولت انگلستان و کمپانی انگلیسی بود که اندین اروپ نامیده می‌شد (سعادت کازرونی، ۱۳۹۰: ۵). در پیوند با این موضوع، نیروهای انگلیسی تلگراف‌خانه بوشهر به سبب مهارت در این زمینه، برای راه‌اندازی دیگر تلگراف‌خانه‌ها، با آنان همکاری می‌کردند. بنا بر سند شماره ۱۳۰۳ / ۴۴۸ ق. از وزارت امور خارجه برای استفاده از سیم‌های موجود در بندر محمره [خرمشهر] (مربوط به جنگ‌های قبلی)، از تلگراف‌خانه بوشهر، درخواست شده بود چند مأمور سیم‌کشی اعزام کند تا در شهر آبادان، شبیه بوشهر تلگراف‌خانه‌ای تأسیس کنند، اما به سبب ناامنی‌های مداوم در مسیر کازرون به بوشهر و حتی نواحی خوزستان، اجرای طرح‌های فنی ممکن نبود، چنانکه در تلگرافی، برای سرکوب دزدان به دست حاکم فارس نیز، از اجرا نشدن این طرح‌ها سخن به میان آمده است (شماره ۱۳۰۸ / ۸۸۵ ق.). در کنار مسائل فنی و همچنین ناامنی‌های موجود، گاه کارکنان تلگراف‌خانه بوشهر مورد تعرض مخالفان یا سارقان قرار می‌گرفتند. این گروه اغلب شکایت خود را با تلگراف، اعلام می‌کردند یا درخواست پیگیری آن را داشتند. در سند شماره ۲۰ / [بی‌تا] از شخصی به نام صدراله، غلام تلگراف‌خانه نام برده شده است که به سبب حمله چهار سارق در مسیر برازجان، از طریق رئیس تلگراف‌خانه بوشهر، شکایت خود را طرح و پیگیری کرده است. در پی ناامنی‌های بیشتر، علی‌کرم، تفنگچی تلگراف‌خانه و مقیم کمارج، شکایتی به رئیس تلگراف‌خانه بوشهر تسلیم کرد تا پیگیری شود. شماری از این شکایت‌ها با دستور وزارت داخله به حکومت فارس برای برخورد با عاملان در اسناد باقی‌مانده، موجود است.

افزون بر سرقت اموال شخصی افراد، طبق سند شماره ۱۲ / [بی‌تا]، وزارت داخله با دستور موکد به حکومت ایالتی فارس در زمینه برخورد با عاملان سرقت اموال تلگراف‌خانه اصفهان، از مسیر تلگراف‌خانه بوشهر، دستور استنطاق از دزدان را صادر کرده بود. گذشته از این گزارش‌ها، مشکلات اقتصادی منطقه بوشهر و انعکاس آن در تهران نیز در سند ۱۳۱۰ ق.، از سوی حکومت مرکزی بررسی شده و دستوری تلگرافی

برای حذف عوارض دولتی بر کالاهای عمومی صادر گردیده بود. در پیوند با این موضوع، تاریخ سیاسی داخله بوشهر یعنی دشتستان، تنگستان و دشتی، در مسائل سیاسی اهمیتی چشمگیر می‌یابد (بیات، ۱۳۷۳: ۱۰۸) و لزوم استفاده از خطوط تلگراف برای ارسال گزارش‌های مربوط به آنها، حساسیت بسیار پیدا می‌کند.

گسترش خطوط تلگراف در بوشهر و نواحی همجوار از جمله تنگستان، برازجان و چاکوتاه، به سبب فعالیت‌های واسموس برای تخریب تأسیسات آن بخش‌ها، مشکلات گوناگونی در آن نواحی پدید آورده بود و مردم خواستار بازسازی خطوط تلگراف بودند، اما با احداث راه آهن در آن منطقه مخالفت داشتند (داگلاس: ۱۳۷۸، ۱۰۱). علاوه بر تأسیسات دولت انگلستان و ایران در بوشهر، سبزآباد^۱ در فاصله شش مایلی این بندر قرار داشت. سرکنسولگری بریتانیا و تأسیسات تلگراف خانه هند و اروپا، همراه با منازل کارکنان آنها در سبزآباد واقع شده بود. این ناحیه همچنین به سبب استقرار بالیوزخانه بوشهر در آنجا، اهمیتی خاص داشت. نماینده سیاسی بریتانیا، به سبب آب و هوای سبزآباد، خانه بیلاقی خود را در آنجا ساخته و قرار داده بود (لوریمر، ۱۳۹۲: ۴۲). دشتستان^۲ نیز بخشی از ساحل خلیج فارس، در مجاورت شبه جزیره بوشهر است که با نواحی زیراه و انگالی، از نظر جغرافیایی، جزئی از یک واحد اداری است. برازجان مرکز تجاری دشتستان در سه منزلی از مسیر دشتستان به شیراز واقع است (همان، ۶۹-۶۷) و فرمانفرمایی فارس با نمایندگی برازجان، به سبب نزدیکی به بوشهر، گروهی از خدمه تلگراف ایرانی را نیز در اختیار داشت (همان، ۷۰). منطقه برازجان^۳، عمده‌ترین آبادی دشتستان و خان‌نشین و تابع فرمانروایی فارس بود. آب محل از چاه تأمین می‌شد و اعتیاد به تریاک در میان مردم این ناحیه رواج داشت و حمل کالا به شیراز و رونق نخيلات، راه‌های گذران زندگی مردم بود. مالیات برازجان به حکومت بنادر پرداخته می‌شد، اما فعالیت آن، با حکومت فارس بود. خط تلگراف هند در مسیر بوشهر به شیراز،

1. sabzabad
2. Dashtestan
3. Burazjun

از برازجان می‌گذشت و در اینجا به خط تلگراف ایرانی، وصل و از نواحی بندر ریگ و دیلم به اهواز وارد می‌شد (همان، ۸۲-۸۱). در یکی از تلگراف‌های موجود در وقایع /تفاتیقه، در بارهٔ حوادث برازجان آمده است: «از قرار تحقیق، در سامان برازجان، سیم و چوب تلگراف را به قدر ربع میل، عمداً شکسته و پاره کرده‌اند. جناب مستطاب فرمانفرما، مرتکبین را از سعدالدوله، حاکم بوشهر تلگرافاً خواسته است و مردم بوشهر همچنین در تلگراف خود به تهران، فقط حکومت نواب را خواستار شدند؛ نه کس دیگری را» (سعیدی سیرجانی، ۱۳۸۳: ۶۰). جز این منطقه، از میان قسمت‌های همجوار بوشهر، ریگ، بندر اصلی منطقهٔ حیات داوود است (لوریمر، ۱۳۹۲: ۱۳۰) که بیشتر مردم آن به تفنگ‌های مارتین مسلح بودند. در این ناحیه، علاوه بر دفتر پست دولت ایران، ادارهٔ تلگراف پیش از سال ۱۹۰۵ م. تأسیس شده بود. گرچه از این خط تلگراف، کمتر استفاده می‌شد و بیشتر، ایستگاهی میان برازجان و دیلم در خط تلگرافی بوشهر و اهواز بود. گاه ارتباط میان بوشهر و بندر ریگ^۱، از راه کشتی‌های بادبانی برقرار می‌گردید (همان، ۱۳۲). اما منطقهٔ ریشهر^۲ با سابقه‌ای طولانی از عصر صفویه، به سبب موقعیت جغرافیایی و نزدیکی به بندر بوشهر به ویژه در نزدیکی ساحل غربی شبه جزیره، به سبب ساختمان تلگراف‌خانه، اهمیتی چشمگیر داشت. شماری از خانواده‌های بحرینی در محله‌ای به نام بحرینی‌ها زندگی می‌کردند و به سبب حضور شیخ عبدالعلی و اتفاقات سیاسی، قلعه‌های آن ناحیه در جنگ ایران و انگلیس به دست نیروهای هندی بریتانیایی افتاده بود (همان، ۴۲). قدرت واقعی و موروثی در بوشهر، از آن قبیلۀ آل مذکور یا نصیری بود که در تجارت با هند، با دولت انگلستان همراه بودند و با صلابت شیخ ناصر، قدرت داشتند؛ هر چند که خود مدعی استقلال بودند (مارتین، ۱۳۸۹: ۶۰).

1. Rig

2. Risher

ساختار تشکیلاتی تلگراف‌خانه بوشهر

ساختار تشکیلاتی تلگراف‌خانه بوشهر، بخش‌های گوناگونی داشت؛ شاید تقسیم‌بندی ساختار تلگراف‌خانه بوشهر، تا حدودی تابع تقسیم سیاسی و اداری آن منطقه بود. بر همین اساس، برخی نواحی جغرافیایی به عنوان تلگراف‌خانه ایرانی، تحت نظارت و در اختیار تلگراف‌خانه ایالت فارس قرار داشت. در پیوند با این موضوع، تلگراف‌خانه بوشهر نیز در دو قسمت مجزا به فعالیت خود ادامه می‌داد. به نوشته لورمیر در کتاب *سواحل خلیج فارس*، در بوشهر و مناطق پیرامون آن به طور معمول، دو خط تلگراف وجود داشت: ۱. خط تلگراف هند و اروپا که آن را سیم انگلیسی می‌خواندند و ۲. تلگراف دولت ایران که آن را سیم ایرانی نام‌گذاری کرده بودند. این تقسیم‌بندی کلی، از نظر اداری از تداخل در کارهای هر دو بخش جلوگیری می‌کرد و به احتمال بسیار، نظارت بر تلگراف‌خانه ایرانی به راحتی صورت می‌گرفت (لورمیر، ۱۳۹۲: ۳۶). بر اساس نوشته‌های اعتمادالسلطنه در *تاریخ منتظم ناصری*، بعد از ورود تلگراف به ایران، "اداره تلگرافیه ممالک محروسه به وزارت جناب جلالت‌مآب عزالدوله، وزیر علوم قرار گرفت". در این اداره، در نواحی مختلف ایران، چهارصد و نود و هشت نفر مشغول انجام وظیفه بودند. در اداره تلگراف‌خانه فارس، شخص محمدمهدی میرزا به عنوان رئیس [مدیرکل]، به همراه یک نفر "تلگرافی‌چی"، یک نفر "میرزانفر" و یک نفر "فراش‌نفر"، مشغول بودند. همچنین علی‌اصغرخان سرهنگ که رئیس محسوب می‌شد، با همراهی سه نفر "تلگرافی‌چی"، "میرزا و محرر" سه نفر و پنج "فراش" امور را اداره می‌کردند. در قسمت کازرون و بوشهر، میرزا حبیب‌اله، رئیس تلگراف‌خانه به همراه یک نفر "تلگرافی‌چی" و "فراش" هم دو نفر حضور داشتند (رضوانی، ۱۳۶۴: ۱۲۸۱-۱۲۸۰). افراد میرزا، مسئول امور دفتری و محرر، نویسنده هر تلگراف‌خانه بودند. در مسیر بوشهر به شیراز از کازرون، یکی از ایستگاه‌ها تلگراف‌خانه بود که از دو مسیر، خدمات‌رسانی می‌کرد، اما در کنار سِمَت‌های سازمانی همچون رئیس، محرر، میرزا و فراش، سمت‌های اداری دیگری قرار داشت. در بررسی اسناد، از دو سمتِ غلام تلگراف‌خانه- صدراله- که مسئول تعمیر

سیم‌های خطوط تلگراف بود و سمت تفنگچی تلگراف‌خانه -کرم‌علی- که امنیت و حفاظت از تلگراف‌خانه را برعهده داشت، نام برده شده است. بنا بر سند شماره ۵۶/۱۳۱۱ق. برای اعزام مأمور چاپار در خط تلگراف بوشهر به شیراز، درخواست شده بود. به احتمال بسیار، این شخص، مسئول ارسال پیک‌های مهم و محرمانه بوده است. در اسناد و منابع آن دوره، سمت دیگری نیز تحت عنوان "سیم‌بان" بود که احتمالاً مسئولیت فنی و اجرایی را برعهده داشت. سیم‌بان‌ها که شماری غلام و نوکر هم تحت امر آنان بودند، مسئول اداره، نظارت، تعمیر و حفاظت از خطوط بودند. در کنار سمت‌های سازمانی تلگراف‌خانه، خوانین و مردم محلی نیز در حفاظت از کابل‌های هوایی نقش داشتند (لوریمر، ۱۳۹۲: ۳۶)، زیرا در صورت بروز هر گونه خسارت، خود مسئول جبران آن بودند. بر اساس تقسیم اداری، تلگراف‌خانه بوشهر، خط تلگراف‌خانه ریشهر، مربوط به خط تلگراف انگلیسی بود و در بوشهر در کنار ساختمان تلگراف‌خانه، دو دفتر تلگراف‌خانه نیز برقرار بود: یکی، تلگراف‌خانه انگلیسی در دفتر نمایندگی بریتانیا و دیگری، دفتر ایرانی در مرکز شهر. هر دو دفتر، به مرکز تلگراف‌خانه ریشهر مربوط می‌شدند (همان، ۵۹). تلگراف‌خانه ایران، مانند گمرک ایران، تابع اداره تلگراف در تهران بود (همان، ۶۱). در بوشهر، سی و چهار نفر از اتباع انگلیسی، افزون بر مقامات رسمی، زندگی می‌کردند. چهل و هشت مسلمان تبعه بریتانیا و بیست و پنج نفر از نژادهای ارمنی، استرالیایی و شماری نیز از محافظان هندی در آنجا فعالیت داشتند (همان، ۶۲). از این شمار، چهارده نفر به تلگراف‌خانه انگلیسی بوشهر مربوط بودند. این افراد به سبب برخی فعالیت‌های برون مرزی، مانند تعمیر خطوط تلگراف در نواحی عراق، باید به زبان‌های انگلیسی، عربی و ترکی تسلط می‌داشتند. دفاتر پست به انضمام تلگراف‌خانه‌ها، از دوران قاجاریه جزو سازمان اداری تلگراف‌خانه‌ها محسوب می‌شدند (یزدانی، ۱۳۷۸: ۱۷). در بوشهر، دفتر پست مسئول جمع‌آوری نامه‌ها و مرسولات پستی بود. تشکیلات اداری تلگراف‌خانه ایران، برگرفته از تشکیلات تلگراف‌خانه انگلیسی محسوب می‌شد. مسئولیت تعیین نواحی مهم اداری در بوشهر (مانند تلگراف‌خانه، دفتر بالیوزخانه) را داگلاس بر

عاهده داشت. علاوه بر آن، دفتر پست انگلیسی در دفتر نمایندگی بریتانیا، خدمات‌رسانی می‌کرد (لوریمر، ۱۳۹۲: ۶۲). نکته قابل توجه آنکه به سبب ورود بخشی از کابل‌های تلگراف‌خانه بوشهر به دریا و اتصال آن به نواحی کراچی، ضرورت پست غواص برای اداره مسیر دریایی کابل تلگراف‌خانه نیز مورد توجه مأموران انگلیسی قرار گرفته بود؛ گرچه در اسناد و منابع قدیمی، اشاره‌ای به این موضوع دیده نمی‌شود یا از مسئولان این حرفه، نامی به میان نیامده است. نواحی غرب و جنوب غرب، همراه با بنادر خلیج فارس، در اختیار کارگزاران بریتانیا بود (شمیم، ۱۳۷۴: ۱۹۳-۱۹۲).

اعضاء و کارمندان تلگراف‌خانه در طول جنگ اول جهانی، به دو دلیل، مجاهدت و شجاعت بسیار نشان دادند: ۱. حفظ و پنهان کردن تجهیزات؛ ۲. کوتاه کردن دست آلمانی‌ها از ارسال پیام‌های اشتباه، در فاو (سایکس، ۱۳۶۸: ۷۳۹-۷۳۸). علاوه بر آن، در ایام جنگ، ازدیاد کابل ۱۱۶ درصد، حفظ خطوط تلگراف ۳۸ درصد و سیم‌کشی ۲۸ درصد، به وسیله کارکنان افزایش یافت (همان، ۷۳۹). در ۱۸۶۵م. خط جدید تلگراف در ایران در واقع به اروپاییان اختصاص داشت (کرزن، ۱۳۷۳: ۷۳۹). از نظر اداری، دولت انگلستان تصمیم گرفت خطوط در نواحی جنوب بوشهر را افزایش دهد. مسئولیت قسمت ایرانی نیز از سال ۱۸۶۵م. تا ۱۸۷۰م. به ف. گلداسمیت محول شده بود (همان، ۷۳۹). ترافیک، برای کارکنان بوشهر، مشکلات بسیاری به وجود آورده بود (همان). برای حضور کارکنان اداره تلگراف‌خانه بوشهر، چندین عمارت نیز به عنوان تلگراف‌خانه اجاره شده بود (سعادت کازرونی، ۱۳۹۰: ۴۵). در کنار این ساختار انگلیسی، نفرت و اهالی تلگراف‌خانه ایرانی در ارگ قدیمی که به شیخ ناصر مربوط می‌شد، فعالیت داشتند (افشار، ۱۳۵۲: ۲۲۸).

همکاری نزدیک نیروهای نظامی و اداری در تلگراف‌خانه بوشهر، چه در بخش اداری ایران و چه در بخش مربوط به دولت انگلستان، حاکی از اهمیت این منطقه در سیاست‌های استعماری دولت انگلستان است، زیرا تلگراف‌خانه بوشهر، مرکز اتصال خطوط غرب و شرق مستعمرات انگلستان و حوزه نفوذ آن دولت در ایران بود.

آثار فعالیت تلگراف خانه بوشهر و نواحی پیرامون آن

هر چند که در بهره‌گیری از آن تأسیسات تلگراف، اولویت با اتباع و مأموران انگلیسی بود، اما این اختراعات و سیستم‌های جدید، مانند هر پدیده نوظهور دیگر، آثار گوناگونی در محیط پیرامون خود از جمله بندر بوشهر نهاد که در ادامه بررسی خواهد شد.

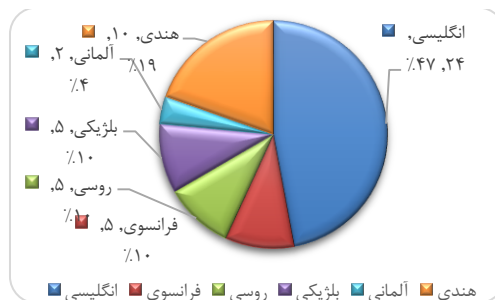
توسعه سیستم ارتباطی در بوشهر: توسعه شبکه ارتباط تلگرافی در بوشهر، موجب اتصال بخش‌های مختلف آن منطقه شده بود؛ چه نواحی مربوط به فارس و چه نواحی مربوط به مناطق زبردست بوشهر. به همین سبب، ارسال و دریافت اخبار و اطلاعات از آن بخش‌ها به راحتی در اختیار مأموران انگلیسی و ایرانی قرار می‌گرفت و می‌توانست به عنوان مهم‌ترین عامل در تصمیم‌گیری‌های آنان باشد: این نواحی از جمله عبارت بودند از: بوشهر، دشتی، دشتستان، سبزآباد، ظلم‌آباد، بندر ریگ و برازجان.

تأسیسات سیاسی و اداری: با احداث خطوط تلگراف میان لندن و هندوستان، سطح اهمیت منطقه بوشهر به عنوان حلقه اتصال برای دولت انگلستان و دیگر رقبای استعماری آن دولت نیز افزایش یافت. هر یک از این دولت‌ها به گونه‌های مختلف، برای حضور در خلیج فارس، به بندر بوشهر توجه نشان می‌دادند. در همین زمینه، سرکنسولگری بوشهر و سفارت انگلستان، اهمیتی چشمگیر یافتند (لوریمر، ۱۳۹۲: ۲۴). نمایندگی انگلیسی، مسئول حفظ و اداره نواحی بوشهر بود و به سبب وضعیت آب و هوایی ناحیه سبزآباد، دفتر سرکنسولگری همراه با تلگراف‌خانه و منازل مسکونی کارکنان آن، در سبزآباد مستقر بود و عمارت بالیوزخانه نیز در شهر بوشهر قرار داشت (همان، ۳۴).

دولت‌های رقیب، همچون روسیه با دفتر جنرال کنسولگری و آلمان در همین سطح، در ساحل غربی شبه‌جزیره بوشهر، رفتارهای رقیب را تحت نظارت داشتند (همان، ۴۵). اما از نظر شمار مأموران، به ترتیب اروپاییان: ۲۴ نفر انگلیسی، ۵ نفر فرانسوی، ۵ نفر روسی، ۵ نفر بلژیکی، ۵ نفر و ۲ نفر آلمانی و ۱۰ نفر از نیروهای هندی تبعه انگلستان کار می‌کردند

(همان، ۵۵). حضور نیروهای خارجی در مناطق مختلف بوشهر تأثیر گسترده‌ای داشت. این نیروها برای کمک به مردم، به این ناحیه نیامده بودند (همان، ۵۶). ساختار نمایندگی بریتانیا عبارت بود از: یک سرکنسول که از اعضای سرویس سیاسی بود و نماینده بریتانیا در خلیج فارس به شمار می‌رفت؛ سه معاون برای نمایندگی سیاسی و یک نایب کنسول (همان، ۶۲). حساسیت نسبت به فعالیت خارجیان، گاهی موجب استفاده از تجهیزات نظامی از جمله رزم‌ناو فوکس برای حفاظت از کنسولگری شده بود (بشیری، ۱۳۶۶: ۱۳۴). اقدامات انگلیسی‌ها در نواحی مختلف ایران، محبوبیت آلمان را افزایش می‌داد (ابراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۱۷) و حضور سیاسی و تجاری انگلستان در جنوب ایران، اهمیت بسیار یافته بود (کرزن، ۱۳۷۳: ۷۳۹). ضمن اجرای مأموریت‌های سیاسی، سرکنسولگری بوشهر، کار شناسایی و برخورد با جاسوسان و نفرات سیاسی دیگر نمایندگی‌ها را نیز برعهده داشت: با دستگیری لیستمان، کنسول آلمان در بوشهر (۱۹۱۵م). آنان برای نخستین بار، در این زمینه اقداماتی عملی انجام دادند (باست، ۱۳۷۷: ۷۲). برای حفاظت از تلگراف‌خانه، چندین کنسولگری در شهرها تأسیس شد که مأموران آن نیز از مصونیت برخوردار بودند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵: ۲۸۹). اقدامات سرکنسولگری انگلستان گاهی هم منفی بود؛ اقداماتی مانند قاچاق اسلحه و تحریک دزدان دریایی (برومند، ۱۳۷۸: ۳۷). این عوامل ارتباط چند جانبه کنسولگری‌ها و تلگراف‌خانه‌ها را در ابعاد گوناگون آنان نشان می‌دهد.

نمودار نیروهای خارجی در بندر بوشهر



خدمات بهداشتی: در کنار ساختار سیاسی و کنسولی بریتانیا و دیگر کشورهای مقیم بندر بوشهر، به سبب اهمیت تلگرافخانه آن بندر، خدمات بهداشتی نیز در این ناحیه افزایش یافت و شماری از پزشکان و جراحان، با وجود فعالیت در قرنطینه بهداشتی، بیشتر مشغول خدمت به نیروهای هموطن خود و تا حدودی ساکنان آنجا بودند. در بررسی منابع مربوط به آن دوره، از ساختمان و فعالیت بیمارستان و ایستگاه قرنطینه بوشهر یاد شده است (لوریمر، ۱۳۹۲: ۴۸). به نظر سالدان، خدمات بهداشتی در تلگرافخانه بوشهر، جاسک و فاو، با کمک یک جراح انجام می‌شد (Saldanah, 1986, 79). از جمله دلایل استقرار واحدهای بهداشتی، وضعیت نامطلوب آب و هوایی آن ناحیه و شیوع بیماری‌های مختلف بود. نزدیکی فاضلاب به قبرستان کم‌عمق، تب مالاریا و بیماری‌های ورم چشم، به سبب بی‌اعتنائی به بهداشت، نظارت‌های پزشکی را ضروری می‌کرد (همان، ۵۳). از این رو، در اقلام وارداتی ایران از خارج، کالاهای پزشکی نیز به چشم می‌خورد. وجود یک جراح در هیأت سیاسی به همراه بیمارستان خیریه، به مردم کمک می‌کرد (همان، ۶۱). به نظر برومند، «وجود قرنطینه بوشهر در کنترل بیماری‌ها بسیار مؤثر واقع شده بود و به بیمارستان کنسولگری، کمک‌های زیادی می‌کرد» (برومند، ۱۳۷۸: ۳۶). از دلایل فعالیت کنسولگری انگلستان در حوزه بهداشتی، به این موارد می‌توان اشاره کرد: ۱. خدمات‌رسانی به کادر سیاسی، تلگرافخانه و نیروهای فعال در حوزه اقتصادی؛ ۲. خدمات‌رسانی به مردم برای جلب و جذب آنان به فعالیت‌های مثبت دولت انگلستان. در مجموع باید گفت این خدمات در زیرمجموعه فعالیت تلگرافخانه بوشهر اهمیت می‌یافت.

فعالیت‌های اقتصادی: بوشهر، مهم‌ترین بندر تجاری ایران در عصر قاجاریه بود و شاهراه تجاری مهمی میان آن بندر را با تهران مربوط می‌کرد (لوریمر، ۱۳۹۲: ۱۵). البته بیشتر اهالی شبه جزیره بوشهر، با بندر بوشهر تجارت داشتند (همان، ۳۴). باید

یادآور شد که بیشتر تجار در بوشهر سکنی گزیده و عمارت‌های بزرگی در این منطقه ساخته بودند (همان، ۳۴).

وجود سمت "حمال‌باشی"، مسئول حمل و نقل کالاها از بندر بوشهر و ثروت هنگفت او حاکی از رونق اقتصادی و میزان مبادلات تجاری است (همان، ۴۶). در کنار تشکیلات انگلستان، به دستور قوام‌الملک، تشکیلات تجاری روسی نیز در نزدیکی آب‌انبار^۱ ساخته شده بود، اما در مجموع، علی‌رغم فعالیت بندر بوشهر، تشکیلات بندری آن ضعیف بود (همان، ۵۶). ارزش واردات بوشهر، ۷۰۱ پوند و صادرات آن، بالغ بر ۵۳۰۰۰۰ پوند می‌شد. کالاهای صادراتی عبارت بودند از: تریاک، صمغ، فرش، تنباکو، گلاب و کالاهای کتانی و کالاهای وارداتی: قند، چای، گندم و کالاهای پزشکی (همان، ۵۶). کرزن نیز به عنوان نماینده دولت انگلستان در خلیج فارس، از دستور ویلیام اندروپرایس برای انحصار پارچه‌های ابریشمی و معافیت آن از حق مالیات در بوشهر به نفع نیروهای انگلیسی، اطلاعاتی به دست داده است (کرزن، ۱۳۷۳: ۵۰۸). علاوه بر آن، نیروهای انگلیسی برای جمع‌آوری مالیات‌های دولت ایران، به مأموران ایرانی کمک می‌کردند (همان، ۷۳۰). در شمار نیروهای تجاری، برای دولت انگلستان، آرامنه اهمیتی خاص داشتند (همان، ۲۸۳). دو عمارت بزرگ مسئولان سیاسی و تجاری را نیروهای هندی محافظت می‌کردند (همان، ۲۸۳). در کنار این شرایط، اعتراض ایرانیان در سال ۱۸۶۰ م، به دفاتر پستی دولت بریتانیا، که بیشترین سود تجارت با دولت هند نصیب آنها می‌شد، ضربه‌ای مهلک به بریتانیا وارد کرد (بیات، ۱۳۷۳: ۱۴۸). از میان رقابت‌های اقتصادی قدرت‌های استعماری (فرانسه، آلمان، روسیه و عثمانی) در بوشهر، فقط دولت انگلستان باقی ماند (برومند، ۱۳۷۸: ۳۲). رقابت سمت سیاسی و تجاری میان انگلستان و روسیه جریان داشت؛ آن‌گونه که ناوچه‌های گلیبک روسی و کوزتیلرف، به همین سبب به خلیج فارس اعزام شدند (احمدی، ۱۳۸۶: ۲۷-۲۶). شرکت تجاری و کشتیرانی روس با نام Russian steam Navigation and trading compan در بوشهر فعال بود

1. Ab Anbar

(همان، ۳۰). در سندی مربوط به تجارت‌خانه سید محمدرضا کازرونی و پسران، به بُعد تجاری بندر بوشهر و ارتباط آنان با بغداد اشاره شده است (شماره ۵۰۶ / ۱۳۱۱ ق.). تلگراف‌خانه بوشهر، علاوه بر اهمیت ذاتی خود، در حوزه مسائل اقتصادی نیز اهمیت بسیار داشت.

شبکه حمل و نقل: در کنار احداث و فعالیت تلگراف‌خانه بوشهر، باید به شبکه حمل و نقل نیز توجه کرد. منطقه شیف برای حمل و نقل مسافران در نظر گرفته شده بود. در این بندر، شصت ماشو^۱، پنجاه سبموک^۲ و بوم^۳، همراه صد و پنجاه و هشت کشتی بخار انگلیسی در رفت و آمد بودند؛ هر چند به سبب کیفیت نامطلوب آب بوشهر که از چاه‌های آب تلخ تأمین می‌شد، نمایندگی بوشهر با یک کشتی به نام کشتی R.I.M، از بندر بصره آب حمل می‌کرد (لوریمر، ۱۳۹۲: ۵۹). استفاده از کالسکه و راه‌های مورد نیاز داخلی، از خدمات دیگر نیروهای خارجی در بندر بوشهر بود (افشار، ۱۳۵۲: ۸۸). در کنار شبکه حمل و نقل دریایی و خطوط داخلی، حضور پلیس جنوب در جاده بوشهر به شیراز، عامل اصلی امنیت آن منطقه بود (بیات، ۱۳۷۳: ۱۳۹) اما هزینه‌های راهداری و مشکلات حمل و نقل آن بسیار سنگین بود (همان، ۱۳۹). ارتباط داخلی بوشهر با نواحی تابعه و جزایر پیرامون، با جنبه بین‌المللی آن برای هندوستان و لندن گسترش زیادی یافته بود (برومند، ۱۳۷۸: ۳۳). سیستم ارتباطی در بوشهر بر اعتبار دولت انگلستان افزوده بود (احمدی، ۱۳۸۶: ۲۴). این شبکه حمل و نقل برای ارتباط با سیستان، از اولویت‌های خاص برخوردار بود و در بعضی منابع، از احداث خط آهن در منطقه برازجان نیز گزارش‌هایی ارائه شده است.

فعالیت‌های نظامی: استقرار واحدهای نظامی بریتانیا در بوشهر، علاوه بر حفاظت از تأسیسات تلگراف‌خانه، عاملی بسیار مهم در نمایش قدرت نظامی آن دولت استعماری

1. Mashuwah
2. sambuk
3. Bum

بود. چنانکه پیش‌تر یادآوری شد، بیشتر مسئولان تلگراف‌خانه از کادرهای نظامی دولت انگلستان بودند و با تقسیم نیروهای نظامی مستقر در بندر بوشهر، با نیروهای ایرانی که در حدود ۳۰ نفر بودند، امنیت منطقه را به فرماندهی کدخدای آنجا تأمین می‌کردند (لوریمر، ۱۳۹۲: ۳۲). واحدهای انگلیسی گاه با استفاده از توپخانه، مدافعان ایرانی را می‌ترساندند (همان، ۴۲). در بخش‌های پیش، مطالبی در بارهٔ نیروی حافظ کنسولگری، تلگراف‌خانه، بانک و گمرک انگلستان در یکم آوریل ۱۹۰۹م.، با اولتیماتوم رزمناو فوکس، سخن به میان آمد (بشیری، ۱۳۶۶: ۱۳۴). علاوه بر امنیت تأسیسات سیاسی و اقتصادی، حفاظت از کابل‌های تلگراف‌خانه برای دولت انگلستان اهمیت بسیار داشت. به نوشتهٔ کرزن، در پادگان نظامی بوشهر، حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر و حدود ۵۰ تا ۶۰ توپچی فعالیت می‌کردند (کرزن، ۱۳۷۳: ۲/۲۸۶). خنثی کردن فعالیت نیروهای آلمانی، روسی و فرانسوی از دیگر وظایف آنان به شمار می‌آمد. واحدهای پیاده‌نظام، ناوهای جنگی با هواپیما، که بارها برای سرکوب عشایر بوشهر، از عراق درخواست شده بود، بر اهمیت نظامیان انگلیسی می‌افزود (داگلاس، ۱۳۷۸: ۱۱۰). در مقابل این نیروها، تجهیزات اروپایی روسیه و فعالیت‌های خرابکارانهٔ آلمان، چندان راه به جایی نمی‌برد.

فعالیت‌های گمرکی، بانکی و پستی: با سامان یافتن شعبه‌های مختلف بانک‌های خارجی، فعالیت‌های اقتصادی در بوشهر رونق یافت. فعالیت بانک شاهنشاهی و گمرک انگلیسی از نظر اقتصادی به نفع دولت انگلستان بود. در اوایل حضور دولت‌های خارجی، فعالیت‌های پستی برای حمل و نقل مرسولات در اختیار آنان قرار داشت (لوریمر، ۱۳۹۲: ۴۳). بانک انگلیسی در قسمت امیریه و ساختمان گمرک شاهی، رونق اقتصادی بندر بوشهر را افزایش داده و گمرک روسی نیز به افزایش مبادلات اقتصادی روی آورده بود. این تأسیسات، تابعی از وجود فعالیت تأسیسات تلگراف‌خانه به شمار می‌آمدند.

فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی تلگراف‌خانه بوشهر: فعالیت‌های اجتماعی

تلگراف‌خانه‌های ایران، از جمله موضوعات گسترده‌ای است که به پژوهش و بررسی‌های گسترده نیاز دارد، اما تا آنجا که در مجال این پژوهش می‌گنجد، می‌توان در باره آثار اجتماعی تلگراف‌خانه بوشهر به مواردی اشاره کرد. مردم بوشهر شب‌ها در تلگراف‌خانه-در مسیر شیراز- می‌خوابیدند تا هم امنیت داشته باشند و هم به خواسته‌های سیاسی خویش دست یابند (کرزن، ۱۳۷۳ / ۲: ۲۴۸). به همین سبب، با فشار مردم و به فرمان مشیرالملک، کاروانسراهایی جدید ساخته شد (همان، ۲۴۸). علاوه بر آن، در وقایع و حوادث دوره مشروطه فارس، مردم در صحن تلگراف‌خانه و مراقد شیراز و بوشهر جمع شدند تا اعتراض خود را به کشته شدن مخالفان یا تبعید سید علی‌اکبر روحانی به بوشهر برسانند یا خواسته‌های خود را ارسال کنند (فوران، ۱۳۸۳: ۳۵۱). غیر از بست‌نشینی در تلگراف‌خانه‌ها (از جمله بوشهر)، رؤسای تلگراف‌خانه‌ها در حوزه بوشهر و دیگر مناطق، به عنوان مشاور حکام فعال بودند (محبوبی اردکانی، ۲۵۳۷: ۲۰۱). همچنین مردم برای دریافت سریع جواب اعتراضات خود از تلگراف‌خانه‌ها در بست‌نشینی توقعاتی داشتند (همان، ۲۳۰). شاید بتوان پناهندگی برای محافظت جان مردم و ارسال شکوایه مردم و بست‌نشینی‌ها را از ویژگی‌ها و کارکردهای اجتماعی و سیاسی تلگراف‌خانه‌ها دانست.

تلگراف‌خانه بوشهر، ابزار استعمار: یکی از جنبه‌های مهم فعالیت تلگراف‌خانه

بوشهر، بعد استعماری آن بود، زیرا علی‌رغم اهمیت حوادث هندوستان و نیاز به اطلاع‌رسانی سریع به لندن و همچنین برای کنترل اقدامات دیگر کشورهای استعماری، در مجموع، تلگراف‌خانه بوشهر همراه با سرکنسولگری، بالیوزخانه، واحدهای نظامی و نواحی تجاری به صورت تشکیلاتی منظم علاوه بر خدمات عادی به حکومت انگلستان، در دوره‌ای خاص زمانی، برای بی‌ثبات کردن اوضاع ایران و فشار بر حکومت قاجار به کار برده می‌شد. علاوه بر آن، رقابت روسیه و انگلستان از طریق این تشکیلات، بر شرایط بی‌ثباتی در خلیج فارس می‌افزود؛ به گونه‌ای که روسیه با اعزام کشتی‌های خود، در

رقابت سیاسی با انگلستان و بسط حوزه نفوذ خود فعال بود (احمدی، ۱۳۸۶: ۲۹). به سبب اهمیت اوضاع خلیج فارس، به نظر سر جان ملکم، با تسلط دولت انگلستان بر جزیره خارک- از توابع بوشهر- می‌توان خلیج فارس را در دست داشت (همان، ۳۰). حمایت از سران قبایل و کمک به مبلغان مذهبی نیز از وظایف کنسولگری بندر بوشهر بود (برومند، ۱۳۷۸: ۴۰). اساساً هدف اصلی دولت انگلستان، استفاده از ایران در برابر تجاوز هرگونه قدرت متخاصم علیه متصرفات بریتانیا در هند بود (لمبتون، ۱۳۷۵: ۱۸۴). در همین زمینه، در قرن بیستم و در کابینه لوید جرج، برای ایران و مسائل مربوط به آن در خلیج فارس، کمیته‌ای تحت نظر کرزن تشکیل گردید. یکی از تصمیمات آن کمیته، وابسته کردن شیوخ خلیج فارس به انگلستان، در مقابل ایران بود (حقیقی، ۱۳۸۸: ۹۳-۹۲)، تا در زمان لازم، از آنان علیه ایران استفاده شود؛ از این رو می‌توان گفت که حضور دولت انگلستان در بوشهر، نماد تسلط آن دولت بر خلیج فارس بود.

نتیجه

قرن نوزدهم، دوران استعمار و قرن بیستم، عصر توسعه امپریالیزم را در جهان تداعی می‌کند؛ از این رو، بسیاری از نواحی جهان، تحت تسلط قدرت‌های استعماری قرار گرفتند. اما در کنار ابزارهای نظامی و روش‌های مرسوم سیاسی، اختراعات و اکتشافات علمی نیز در سراسر جهان و ورود آن به مستعمرات قدرت‌های استعماری، نتایج گوناگونی همراه داشت و اختراع تلگراف، از جمله این پیشرفت‌های فنی است. ورود این ابزار جدید به ایران نیز همچون دیگر نواحی جهان، امتیازاتی داشت و به سبب ایجاد تغییرات پر دامنه در بیشتر مناطق، آثار گوناگونی هم برجای گذاشت؛ از جمله در بندر بسیار مهم بوشهر که نماد تسلط انگلستان بر خلیج فارس محسوب می‌شد. این آثار، گرچه موجب توسعه سلطه استعمار و تهدید قدرت دولت مرکزی ایران می‌شد، اما زمینه‌های رشد و تغییرات گوناگون را در عرصه‌های عمرانی، اقتصادی، ارتباطی، اجتماعی و بهداشتی برای این بندر به بار آورد.

منابع و مأخذ

اسناد:

سازمان اسناد و کتابخانه ملی - شعبه استان فارس، تلگرافخانه بوشهر و شیراز مربوط به عصر قاجاریه

کتاب‌ها:

فارسی

- ابراهامیان، پرواندا، ۱۳۸۹، *تاریخ ایران مدرن*، تهران: نشر نی.
- احمدی، فرج اله، ۱۳۸۶، *"رقابت روسیه و انگلستان در خلیج فارس"*، تلاش برای ایجاد پایگاه اروپایی، ۱۹۰۷-۱۹۸۰) نورمگز، شماره ۱۳۲
- افشار، ایرج، ۱۳۵۲، *"سفرنامه تلگرافچی فرهنگی"*، نورمگز، شماره ۱۹
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۶۴، *تاریخ منتظم ناصری*، به تصحیح: محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- باست، الیور، ۱۳۷۷، *آلمانی‌های در ایران*، تهران: تیرازه.
- برومند، صفورا، ۱۳۷۸، *"سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر"*، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، نورمگز، شماره یک
- بیات، کاوه، ترجمه، ۱۳۷۳، *جنگ جهانی در جنوب ایران ۱۹۲۱-۱۹۱۴*، بوشهر، [بی تا].
- بشیری، احمد، ۱۳۶۶، *کتاب نارنجی*، تهران: نشر نور.
- برنال، جان، ۱۳۸۰، *علم در تاریخ*، تهران: امیرکبیر.
- پالمر، رابرت روزول، ۱۳۸۴، *تاریخ جهان نو*، تهران: امیرکبیر.
- حقیقی، خلیل، ۱۳۸۸، *"انگلستان، کرزن و خلیج فارس"*، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، تهران: مرکز اسناد وزارت امور خارجه، شماره ۴۱.
- حمیدی، سید جعفر، ۱۳۸۰، *فرهنگنامه بوشهر*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- داگلاس، جیمز آرچیبالد، ۱۳۷۸، *"اهداف و عملیات انگلستان، در احداث جاده بوشهر- شیراز"* (۱۹۱۸-۱۹۱۹) *تاریخ معاصر ایران*، شماره ۱۲
- سعیدی سیرجانی، علی اکبر، گردآورنده، ۱۳۸۳، *وقایع/تفاهیه*، تهران: نشر آسیم
- سایکس، سرپرسی، ۱۳۶۸، *تاریخ ایران*، تهران: دنیای کتاب.

شمیم، علی اصغر، ۱۳۷۴، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران: نشرافکار.

فوران، جان، ۱۳۸۳، *تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، تهران: خدمات فرهنگی رسا.

کدی، نیکی آرا، ۱۳۸۱، *ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان*، تهران: ققنوس.

کرزن، جرج ن، ۱۳۷۳، *ایران و قضیه ایران*، تهران: علمی و فرهنگی.

لوریمر، جان گوردون، ۱۳۹۴، *سواحل خلیج فارس*، تهران: آباد بوم.

لیتل فیلد، هنری و، ۱۳۶۶، *تاریخ اروپا*، تهران: علمی و فرهنگی

لمبتون، آ. ک. س، ۱۳۷۵، *ایران عصر قاجار*، مشهد، گوتنبرگ (جاودان فرد)

عبدالرسول، خیراندیش (به تصحیح)، ۱۳۹۰، *تاریخ بوشهر*، تهران: میراث مکتوب.

مارتین، ونسا، ۱۳۸۹، *دوران قاجار، چانه زنی، اعتراض و دولت در ایران قرن ۱۹*، تهران: آمه.

محبوبی اردکانی، حسین، ۲۵۳۷، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

ولایتی، علی اکبر، ۱۳۷۲، *تاریخ روابط خارجی ایران دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، ۱۳۷۵، *تاریخ روابط خارجی ایران*، تهران: امیرکبیر.

یزدانی، مرضیه، ۱۳۷۸، *اسناد پست تلگراف و تلفن در دوره رضاشاه*، تهران: سازمان اسناد ملی

انگلیسی

ترجمه اسناد انگلیسی

Saldanah, The Persian Gulf precis, vol viii, Archive editions, 1986